



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۷ مهر ۱۳۹۵

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونة السنة

مصادف با: ۱۶ محرم ۱۴۳۸

موضوع جزئی: مسئله چهاردهم - تعلق خمس به زیاده عینیه

جلسه: ۹

سال هفتم

«الحمد لله رب العالمین وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعین»

مسئله چهاردهم: «لو كان عنده أعيان من بستان أو حيوان مثلاً ولم يتعلق بها الخمس كما إذا انتقل إليه بالإرث أو تعلق بها لكن أداه...»!

ارتباط مسئله چهاردهم و مسئله هشتم

مسئله چهاردهم در واقع مکمل مسئله هشتم است. امام (ره) در مسئله هشتم بحث تعلق خمس به زیاده حکمیه را مطرح کرده‌اند. منظور از زیاده حکمیه، ارتفاع قیمت سوقیه است. یعنی اگر قیمت عینی در اثر افزایش قیمت، با گذشته تفاوت پیدا کند در حالی که آن عین یا متعلق خمس نبوده و یا اگر خمس هم به آن تعلق پیدا کرده، خمس آن داده شده است. مثلاً ارزش عینی یک میلیون تومان بوده و بالارث به این شخص منتقل شده [طبق نظر مشهور به ارث خمس تعلق نمی‌گیرد. یا مثلاً اساساً با پول مخمس این زمین را خریده بود. پس خود این عین با ارزش یک میلیون تومان متعلق خمس نبود اما الان قیمت آن بالا رفته است، مثلاً دو میلیون تومان شده است، یعنی یک زیاده‌ای حادث شده است. این زیاده یک زیاده حکمیه است. بحث در مسئله هشتم این بود که آیا خمس به این ارتفاع قیمت [یک میلیون تومانی که افزایش پیدا کرده] متعلق می‌شود یا نمی‌شود.

مرحوم سید(ره) در مسئله پنجاه و سوم عروه هر دو قسم زیاده [زیاده حکمیه و زیاده عینیه] را متعرض شده‌اند. منظور از زیاده عینیه نمائات اعم از متصل و منفصل است. مثلاً درختی که رشد می‌کند زیاده‌ای در آن حاصل می‌شود. این زیاده، از نوع متصل است. همچنین گوسفندی که چاق می‌شود، زیاده عینیه متصل پیدا می‌کند. نماء منفصل نیز زیاده عینیه محسوب می‌شود. زاد و ولد گوسفند به عنوان نماء برای او محسوب می‌شود و نماء منفصل است. مرحوم سید(ره) در مسئله پنجاه و سوم در عروه هر دو موضوع را متعرض شده‌اند؛ هم بحث از تعلق خمس به زیاده عینیه یعنی نماء متصل و نماء منفصل نسبت به عینی که یا متعلق خمس نبوده و یا خمس آن داده شده و هم زیاده حکمیه یعنی ارتفاع قیمت در عینی که متعلق خمس نبوده یا بوده ولی خممش داده شده است را مطرح کرده‌اند.

زمانی که ما مسئله هشتم را بحث می‌کردیم، هم متعرض زیاده عینیه و هم متعرض زیاده حکمیه شدیم، هرچند امام (ره) در مسئله هشتم فقط بحث تعلق خمس به زیاده حکمیه را مطرح کردند و بحث از تعلق خمس به زیاده عینیه را در مسئله چهاردهم مطرح کرده‌اند. پس معلوم شد نسبت مسئله چهاردهم طبق متن تحریر با مسئله هشتم چیست. موضوع در هر دو یک چیز است و آن هم عبارت است از تعلق خمس به زیاده در مالی که متعلق خمس نبوده یا اگر متعلق خمس بوده،

خمس آن پرداخت شده است.

لکن در مسئله هشتم تعلق خمس به زیاده حکمیة یعنی ارتفاع قیمت و در مسئله چهاردهم تعلق خمس به زیاده عینیة را مطرح کرده‌اند. یعنی تعلق خمس به نماء متصل و منفصل مربوط به عینی که خمس به آن تعلق نمی‌گیرد یا اگر هم تعلق گرفته، پرداخت شده است.

چون بحث زیاده بود و چون معمولاً ما به صورت تطبیقی مسائل عروه و تحریر را بیان می‌کنیم، در مسئله هشتم تقریباً این بحث به نحو مستوفی مطرح شد. آنجا، هم تعلق خمس به زیاده عینیة و هم تعلق خمس به زیاده حکمیة را مطرح کردیم. اما در این مسئله چون امام (ره) متعرض شده‌اند، ما هم به صورت اجمالی با صوری که امام مطرح کردند، بحث می‌کنیم. این یک مقدمه‌ای برای توضیح مسئله چهاردهم و ارتباط آن با مسئله هشتم بود.

آنچه که امام در مسئله چهاردهم مطرح کردند این است که عینی که خمس آن داده شده یا از ابتدا متعلق خمس نبوده، اگر زیاده در آن حاصل شود متعلق خمس هست یا خیر؟ ایشان در اینجا مسئله را سه صورت کرده‌اند.

صور مسئله

صورت اول: تارة آن عین را برای اینکه با خود این عین تکسب کند، نگهداری کرده است. مثلاً در زمینی درختانی کاشته که ثمر ندارند و درختان غیر میوه‌ای هستند. هدف از کاشت درختان این است که رشد کنند و به کسانی که به چوب و شاخه این درختان نیاز دارند، فروخته شود؛ یا مثلاً گوسفندان مذکر که زاد و ولد ندارند، برای این نگهداری می‌شوند تا بزرگ شوند و گوشتشان بیشتر شود و فروخته شوند. پس تارة غرض از ابقاء و نگهداری این عین، تکسب به خود عین است و غرض این نیست که مثلاً با نمائاتش تکسب کند بلکه خود این عین مقصود بالاقتناع و نگهداری است.

صورت دوم: جایی است که عین را نگهداری می‌کند اما غرضش تکسب به نماء منفصل است. مثلاً گوسفند ماده را نگهداری می‌کند ولی غرضش تکسب به خود گوسفند ماده نیست بلکه غرض این است که گوسفند ماده زاد و ولد کند و شیر دهد و پشمش چیده شود و فروخته شود. یعنی با این نمائات منفصل می‌خواهد کسب و کار کند.

صورت سوم: نگهداری عین، اساساً برای تکسب نیست بلکه می‌خواهد با آن زندگی کند. مثلاً باغی دارد که به او ارث رسیده و می‌خواهد میوه‌های باغ را خودش مصرف کند؛ یا مثلاً گله گوسفندی دارد که می‌خواهد از شیر و پشم و ... برای خود یا میهمانانش استفاده کند و اصلاً قصد تکسب ندارد. به تعبیر ایشان قصدش تعیش به این عین است و می‌خواهد معیشت خود را با این عین بگذراند.

پس امام (ره) سه صورت را در مسئله چهاردهم متعرض شده‌اند.

همانطور که گفتیم در همه این سه صورت یک چیز مشترک است و آن اینکه عین یا اساساً متعلق خمس نبوده، مثلاً به ارث رسیده است [گرچه نظر مختار این است که ارث، خمس دارد اما طبق نظر مشهور، ارث خمس ندارد] یا اگر هم متعلق خمس بوده، خمسش داده شده است. این فرض، در اینجا مفروض غنه است.

حکم صورت اول

در صورت اول که عین برای تکسب نگهداری شده، مثل درختان غیر مثمر که غرض از پرورش آن فقط چوب و شاخ و برگ آن است یا گوسفند مذکری که فقط برای چاق شدن و بزرگ شدن، نگهداری می‌شود تا فروخته شود؛ آیا این زیاده در فرض ابقاء عین للتکسب بالعین متعلق خمس هست یا نیست؟

الف) بر مبنای امام (ره)

امام (ره) می‌فرماید این متعلق خمس است. عبارت ایشان این است: «فتارة ببقیها للتکسب بعینها». آن را برای اینکه با عینش تکسب کند، ابقاء می‌کند، «کالاشجار غیر المثمرة التي لا ینتفع إلا بخشبها و أغصانها». درختان غیر مثمری که فقط به چوب و شاخه‌هایش ارتفاع برده می‌شود. «فأبقاها للتکسب بهما»، پس این اشجار را برای تکسب به خشب و اغصانش ابقاء کرده است. «و کالغنم الذکر الذی یبقیه»، و مثل گوسفند مذکری که آن را نگهداری کرده، «لیکبر و یسمن فیکتسب بلحمه»، غنم مذکری که آن را نگهداری کرده تا بزرگ شود و با گوشتش تکسب کنند. این ابقاء عین للتکسب به خود آن عین است. چند سطر بعد امام (ره) نظر خود را بیان می‌کند؛ «أما فی الصورة الأولى فیتعلق الخمس بنمائها المتصل فضلا عن المنفصل، کالصوف و الشعر و الوبر». در این فرض امام (ره) می‌فرماید زیاده عینیه اعم از اینکه متصل باشد یا منفصل، متعلق خمس است. نفس اینکه این گوسفند چاق شده و یکسال گذشته، بالاخره زیاده‌ای در آن پیدا شده است. وزن اضافه کرده و اگر ارسال ده کیلو بوده امسال بیست کیلو شده که این ده کیلو اضافه خمس دارد. همچنین پشم و مو که نمائات منفصل هستند، متعلق خمس است.

در مسئله هشتم به تفصیل این وجه بیان شد. هرچند گفتیم امام (ره) در آنجا متعرض این مسئله نشده است ولی در آنجا عرض شد که در مورد موضوع خمس اختلاف مبنا وجود دارد. بعضی موضوع خمس را خصوص فائده مکتسبه می‌دانند یعنی فائده‌ای که از راه کسب به دست آمده باشد و برخی معتقد هستند که موضوع خمس فائده اختیاری است چه مکتسبه باشد و چه نباشد؛ یعنی فائده‌ای که بالاختیار و بالقصد حاصل شده باشد. اما اگر بالاختیار حاصل نشده باشد، این متعلق خمس نیست. برخی هم معتقداند موضوع خمس مطلق فائده است؛ چه بالتکسب حاصل شده باشد و چه به غیر تکسب، چه اختیاراً باشد و چه به غیر اختیار. نظر مختار، این است که از ادله بدست می‌آید مطلق فائده و ربح متعلق خمس است. یعنی هر چه که صدق ربح و فائده بر آن کند، متعلق خمس است. بر همین اساس در باب هدیه و ارث گفته شد که اینها متعلق خمس هستند زیرا هم مبنای ما این است که مطلق فائده متعلق خمس است و هم اینها از مصادیق فائده هستند. (در اینجا دقت کنید که ممکن است کسی ادعا کند موضوع خمس مطلق فائده است ولی از نظر صدق عنوان اشکال کند؛ مثلاً بگوید عرفاً به ارث اطلاق ربح و فائده نمی‌شود. ولی بیان شد که هم موضوع خمس مطلق فائده است و هم در این موارد [مثل ارث و هدیه] عنوان فائده بر آنها اطلاق می‌شود لذا طبق نظر مختار اینها هم متعلق خمس هستند).

از کلمات امام (ره) بدست می‌آید که ایشان موضوع خمس را فائده مکتسبه می‌دانند یعنی فائده‌ای که از راه تکسب حاصل شده باشد. با توجه به اینکه مبنای امام (ره) در باب موضوع خمس فائده مکتسبه است، قهراً در صورت اولی حکم به وجوب خمس کرده‌اند چون نماء متصل یا منفصل عینی که نگهداری شده تا خودش مورد معامله قرار گیرد، قطعاً از

مصادیق فائده است. پس چون بر نماء متصل و منفصل در صورت اولی عنوان فائده مکتسبه صادق است، بنابراین متعلق خمس هم هست. مثلاً کسی که این گوسفند را نگهداری کرده تا چاق شود و آن را بفروشد، این عین ابقاء شده للتکسب بالعین است. حال که این گوسفند چاق شده، آیا بر این چاقی و اضافه وزن و گوشت اضافه‌ای که در این گوسفند حاصل شده، عنوان فائده مکتسبه صدق میکند یا نه؟ بله! چون مقصود از نگهداری این گوسفند، تکسب بوده و فائده نیز قطعاً هست. در نماء منفصل هم همین‌گونه است. مثلاً سال گذشته که این گوسفند بچه بود، پشم نداشت و الان که بزرگ شده، پشم دارد و پشم هم یک نماء منفصل است. در صورت اولی بر نماء منفصل عنوان فائده مکتسبه صدق می‌کند یا نه؟ بله! زیرا قصدش از نگهداری این عین، تکسب به وسیله نمائات عین بوده است. بنابراین طبق نظر امام (ره) حکم صورت اولی وجوب خمس در زیاده عینیه است اعم از متصل و منفصل.

(ب) بر مبنای مختار

طبق مبنای مختار که موضوع خمس را مطلق فائده [چه مکتسبه باشد و چه نباشد] می‌دانیم، در اینجا مسئله واضح‌تر است و به طریق اولی باید گفت که خمس واجب است و فرقی هم بین نماء متصل و منفصل نمی‌کند.

حکم صورت دوم

صورت دوم جایی است که کسی عین را برای تکسب به خود عین نگهداری نمی‌کند بلکه فقط برای تکسب به نماء منفصل نگهداری می‌کند. یعنی تکسب به نماء متصل هم مقصود از نگهداری نیست مثل این که کسی گوسفند را نگهداری کند و غرضش هم این نیست که این گوسفند را بفروشد لذا از نگهداری عین قصد تکسب به آن عین نشده یا تکسب به نماء متصل آن هم مقصود نیست، یعنی حتی اگر چاق هم شود باز این افزایش وزن مقصود نیست. بلکه غرض از نگهداری عین، فقط تکسب به نماء منفصل است.

(الف) بر مبنای امام (ره)

امام (ره) در اینجا می‌فرماید این زیاده عینیه در نماء منفصل متعلق خمس است اما نماء متصل آن متعلق خمس نیست. عبارت تحریر این است: «و آخری للتکسب بنمائها المنفصل»، یعنی آن عین را برای تکسب به نماء منفصل نگهداری کرده، «کالاشجار المثمرة التي يكون المقصود الانتفاع بثمرها»، که مقصود انتفاع به میوه این اشجار است. این درخت و باغ انار را برای این نگهداری کرده تا از محصول آن استفاده کند و بفروشد، «و کالاعناب الأثنی التي ينتفع بنتائجها و لبنها و صوفها»، یا مثل نگهداری گوسفند ماده که مقصود انتفاع از بچه‌ای است که به دنیا می‌آورد و پشم و شیر آن است. امام (ره) در بیان حکم صورت دوم فرموده است: «و فی الثانیة لا يتعلق بنمائها المتصل، و انما يتعلق بالمنفصل منه»، خمس به نماء متصل آن تعلق پیدا نمی‌کند ولی به نماء منفصل متعلق می‌شود. طبق مبنای امام (ره) وجه این مطلب روشن است.

اینکه امام (ره) می‌فرماید نماء متصل خمس ندارد اما نماء منفصل خمس دارد به چه دلیل است؟ چون موضوع خمس بنابر نظر امام (ره) فائده مکتسبه است و خمس به هر چیزی که فائده مکتسبه باشد تعلق می‌گیرد، هر جا این عنوان منطبق باشد متعلق خمس است. حال نماء متصل یعنی چاق شدن گوسفند ماده یا بزرگ شدن نهال میوه در صورت دوم، متعلق خمس نیست چون فرض ما در صورت دوم این بود که این عین را برای تکسب به نماء منفصل نگهداری کرده است. اصلاً تکسب به نماء متصل مقصود از نگهداری نبوده است. یعنی قصدش این نبوده که با نماء متصل تکسب کند. پس نماء متصل متعلق

خمس نیست اما نماء منفصل متعلق خمس است چون از ابتدا هم این عین را نگهداری کرده تا بچه بزاید و بچه را بفروشد. پس این گوسفند را برای تکسب به نماء منفصل ابقاء کرده است و لذا عنوان فائده مکتسبه بر نماء منفصل صادق است. بچه گوسفند نماء منفصل می‌شود. یک فائده مکتسبه است چون از اول قصدش این بوده که با این تکسب کند. پس اینجا هم طبق نظر امام (ره) خمس دارد ولی فقط در نماء منفصل.

ب) بر مبنای مختار

طبق نظر مختار که موضوع خمس مطلق فائده است، اعم از اینکه مکتسب باشد یا نباشد، در اینجا هم نماء متصل خمس دارد و هم نماء منفصل. درست است که قصد از نگهداری عین این نبوده که این گوسفند چاق شود و آن را بفروشد [نماء متصل مقصود نبوده] اما ما معتقد هستیم مسئله قصد تکسب مدخلیتی ندارد. مسئله این است که مطلق فائده متعلق خمس است. بالاخره آیا این نماء متصل فائده محسوب می‌شود یا نه؟ قبلاً بیان شد که قطعاً فائده محسوب می‌شود. در مورد نهالی که بزرگ شده، می‌گویند نفع برده و شاهدش هم این است که اگر اینها رشد نکند یا حتی گاهی افول کند، می‌گویند این شخص ضرر کرده است.

پس طبق مبنای مختار خمس مطلقاً واجب است چه در نماء متصل و چه در نماء منفصل چون به نظر مختار مطلق فائده و ربح متعلق خمس است و اینجا هم نماء متصل و هم نماء منفصل، هر دو عنوان فائده و ربح بر آنها صدق می‌کند و فرقی نمی‌کند که تکسب به وسیله آنها مقصود باشد یا نباشد.

بحث جلسه آینده: اما الصورة الثالثة.

«الحمد لله رب العالمين»